

پاره‌ها و نکته‌ها^۱

شامل:

- معرفی و نقد کتاب
- نقدِ نقد
- ترجمه (از عربی به فارسی)
- گزارش
- گفت‌وگو و...

۱. تعبیر «پاره‌ها و نکته‌ها» را از مجله «گزارش میراث» به عاریت گرفته‌ایم. ۲. این بخش، ارزش علمی - پژوهشی ندارد. ۳. رعایت اصول فنی و اخلاقی نقد، ضروری است.

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۵ هـ ش / ۱۴۳۸ هـ ق / ۲۰۱۷ م، صص ۲۰۹-۲۱۰

(بخش پاره‌ها و نکته‌ها: غیر علمی - پژوهشی)

معرفی یک اثر در حوزه مباحث تاریخی و نظری ادبیات تطبیقی

درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی، تألیف: زیگبرت سالمن پراور، ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۹۳، ۱۶۶ صفحه.



این کتاب در ده فصل، تدوین و تألیف شده است: «زیگبرت سالمن پراور (۱۹۲۵-۲۰۱۲) استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه آکسفورد بود. کتاب درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی (۱۹۷۳) پراور از معتبرترین کتاب‌های درسی کلاسیک این رشته در دانشگاه‌های معتبر جهان محسوب می‌شود. شالوده این کتاب، بر این اصل استوار است که ادبیات ملی، بدون شناخت ادبیات سایر ملل به درستی فهمیده نمی‌شود. در این کتاب، پراور نظریه‌ها و روش‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی را در ده فصل با ذکر مثال توضیح

می‌دهد. او کتابش را با تأثیر و تشابه ادبی شروع می‌کند و با دقتی عالمانه خواننده را به طرف حوزه‌های جدیدتر ادبیات تطبیقی یعنی ترجمه و اقتباس، مضمون‌ها و چیش نمونه‌ها، ژانرها، مکتب‌ها و دوره‌ها، ساختار، «مکان‌بندی» و نقد ادبی رهنمون می‌شود. این کتاب مفید و مختصر راه را برای پژوهش‌های نظام‌مند در ادبیات تطبیقی می‌گشاید که هم به کار دانشجویان این رشته تخصصی می‌آید و هم دانشجویان ادبیات فارسی و خارجی و هم سایر رشته‌های علوم انسانی که به مطالعات بینارشته‌ای علاقه‌مندند.» (نقل از: پشت جلد) اما ویژگی‌های ممتاز این اثر که به عنوان منبع اصلی درس «نظریه‌های ادبیات تطبیقی» به ارزش ۲ واحد ترجمه گردیده است، نیز عبارتند از:

۱. تأثیرپذیری از کتاب *نظریه ادبیات رنه ولک* و آوستن وارن.

۲. ارائه روش تحقیق مناسب در حوزه‌های نظری ادبیات تطبیقی به همراه مثال و توضیحات روشن.

۳. جامعیت و ایجاز در بیان مباحث تاریخی و نظری (ر.ک: مقدمه مترجمان: ۱-۴ با تصرف)

۴. ارائه نمایه اعلام در فهرست پایانی کتاب.

۵. ترجمه روان و شیوای اثر.

۶. افزودن پرسش در پایان هر فصل از سوی مترجمان.

۷. ذکر اصطلاحات تخصصی و اسم علم به زبان انگلیسی در پانوش.

اما مؤلف، اسباب نگارش و تدوین کتاب را بر پنج اصل زیر استوار می‌داند:

۱. سرنوشت مشترک انسانی و فرهنگی و ادبی با دیگران و اندیشیدن درباره تفاوت‌ها و شباهت‌ها.

۲. عشق و علاقه نویسنده به ادبیات آلمان که پیوسته میزبان ادبیات سایر ملل بوده است.

۳. تجربه آموزشی مؤلف در انگلستان و آلمان و آگاهی از ادبیات ملی که شرط لازم برای شناخت فرهنگ بیگانه است.

۴. آثار شاعران و نویسندگان ملل مختلف که در باروری افکاری وی سودمند بوده‌اند.

تأکید بر اهمیت و ضرورت جایگاه ادبیات تطبیقی و به چالش کشاندن برخی نگرش‌های نادرست درباره این دانش (ر.ک: مقدمه نویسنده: ۵-۶ «با تصرف»)

به هر حال، ترجمه چنین آثاری می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی و بلوغ ادبیات تطبیقی در ایران شود؛ اما

لازم است که این آثار با آگاهی و دانش لازم نیز مورد بررسی و نقد قرار گیرند تا باروری نهال ادبیات تطبیقی در کشورمان با شتاب و غنای بیشتری همراه گردد.

تورج زینی‌وند*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه
سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۵ هـ ش / ۱۴۳۸ هـ ق / ۲۰۱۷ م، صص ۲۱۱-۲۱۴
(بخش پاره‌ها و نکته‌ها: غیر علمی - پژوهشی)

نگاهی به مقاله «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران» از علیرضا انوشیروانی^۱

مطالب متنوع، گسترده و حجیم این مقاله که ۳۳ صفحه است؟! بیشتر از آنکه مرتبط با عنوان مقاله باشد به تعریف و تبیین جزئیات، سوابق، قلمروها، مکاتب تطبیقی و... پرداخته بی آنکه ربط این عناوین را برای خواننده با ضرورت توسعه ادبیات تطبیقی در ایران روشن کند.

۱. نویسنده در ابتدا هدف مقاله را جلب توجه سیاست‌گزاران ادبی و هنری کشور به ضرورت توسعه ادبیات تطبیقی در ایران دانسته و برای توجیه این ضرورت، لازم دانسته است به قدمت، جایگاه، گستره علمی و کاربرد این رشته در میان دیگر ملل نظری بیفکند.

۲. براساس مطالب بالا، ابتدا تاریخچه رشد و تحول ادبیات تطبیقی را در جهان بررسی و به مکتب‌های عمده آن اشاره کرده است.

۳. نویسنده، علت^۲ گسترده‌گی ادبیات تطبیقی در ایران را نبود تعریفی جامع از ادبیات تطبیقی دانسته است.

۴. مطالب بعدی چکیده عبارتست از:

الف: بررسی تطوّر نظریه‌های ادبیات تطبیقی از قرن نوزده تا به حال.

ب: اهمیت ادبیات تطبیقی.

ج: تبیین قلمرو گسترده پژوهش تطبیقی با ذکر نمونه کاربردی.

د: رشد گروه‌ها و انجمن‌های علمی و نشریات با رویکرد تطبیقی در جهان.

ز: اشاره به نقش فرهنگستان در جهت سازماندهی پژوهشگران این رشته.

به نظر می‌رسد موضوعات چکیده بسیار عام، گسترده و خارج از حوصله و هدف یک مقاله است. به

علاوه برخی مطالب این مقاله تازگی ندارد. در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران» نیازی به

۱. این مقاله، در مجله ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱/۱، بهار ۸۹، پیاپی ۱، صص ۶-۳۸ به چاپ رسیده است.

مباحث مفصلی چون «تاریخچه رشد و تحول ادبیات تطبیقی»، «بررسی نظریه‌های ادبیات تطبیقی» و «تیین قلمرو گسترده پژوهش تطبیقی» وجود ندارد، زیرا چکیده باید ویرینی از مطالب اصلی، هدفمند و جهت‌دار در مسیر عنوان مقاله باشد.

همچنین مقاله فاقد فرضیه، پرسش پژوهش، پیشینه و روش تحقیق است، اگرچه یک مقاله هدفمند، بدون عناوین بالا هم می‌تواند مقاله‌ای موفق و ارزشمند باشد.

در مقدمه این مقاله، نویسنده برای تبیین ضرورت توسعه ادبیات تطبیقی نوشته است. نگاه اجمالی به بررسی تطور نظریه‌های ادبیات تطبیقی از قرن نوزده تا زمان حال در جهان لازم است. پیشینه تاریخی ادبیات تطبیقی در این مقاله پنج صفحه از متن را به خود اختصاص داده که ضرورتی برای نقل آن نیست. در بخش بعدی انوشیروانی با نگاهی به سوابق ادبیات تطبیقی و پیشگامانی چون فاطمه سیاح، جواد حدیدی، ابوالحسن نجفی و... سه تعریف از زرین کوب، فرشیدورد و اسلامی ندوشن در تعریف ادبیات تطبیقی آورده است که هیچ شرح و توضیحی و یا نقدی بر آن‌ها نوشته و مشخص نیست که این تعریف‌ها از نظر او همسو و هم‌جهت است یا خیر و آیا این تعریف‌ها مورد تأیید ایشان است یا نه و اینکه در ایران، ادبیات تطبیقی موجب کج‌فهمی و در نتیجه، عدم توسعه و رشد آن شده، آیا در تعاریف مذکور آمده است یا نه از همه مهم‌تر این است که نویسنده با آنکه یکی از نقایص این دانش را در ایران نبود تعریف درست دانسته است، تعریف مشخص و ویژه‌ای از ادبیات تطبیقی به خواننده نداده است.

مبحث مکتب‌های ادبی را در چهار صفحه توضیح داده که ارتباط این مکاتب و جزئیات آن‌ها را با ضرورت توسعه ادبیات تطبیقی در ایران توضیح نداده است. در بخش اهمیت ادبیات تطبیقی، موارد زیر را از نشانه‌های اهمیت این علم دانسته است. این بخش، با آنکه با عنوان مقاله ارتباط مستقیم دارد، موضوعی جدید نیست و در همه پژوهش‌های تطبیقی گذشتگان به آن‌ها اشاره شده است:

الف: گسترش روابط و تعاملات بین فرهنگی.

ب: شناخت بهتر جهان.

ج: پیوند میان مردم جهان.

د: ایجاد وسعت دید و سعه صدر.

در بخش بعدی، قلمرو پژوهش ادبیات تطبیقی را در تأثیرات ادبی، مشابهات، مکاتب ادبی، انواع ادبی و... به شرح زیر نشان داده است:

تأثیرات ادبی

در این مبحث، به تأثیرات ادبی که یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم صورت می‌گیرد، اشاره نموده است.

تشابهات و اقتباس ادبی

مضامین مشترکی مانند مرگ و زندگی، عدالت و کینه‌جویی، خیر و شر، عشق و دوستی و... بین ملت‌های مختلفی وجود دارد که سبب ایجاد ارتباط بین آن‌ها می‌شود.

مکتب‌ها و جریان‌های ادبی

نگارنده در بحث از مکتب‌های ادبی اصول زیر را بیان داشته است:

۱. تعریف واحد و منسجمی در مورد هیچ‌یک از مکتب‌های ادبی وجود ندارد.

۲. هیچ نویسنده‌ای از قبل تصمیم نمی‌گیرد در چارچوب چه مکتبی پیش رود.

۳. منتقدان از هر مکتب تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند.

۴. مکتب‌های ادبی فضای نفوذناپذیری نیستند.

که همه این مسائل، سبب جذابیت پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی گردیده است.

انواع ادبی

در اکثر ادبیات‌های ملی برخی از انواع ادبی همچون غزل، قصیده، رباعی، قصه، داستان، نمایشنامه و... وجود دارد که همین امر، باعث ارتباط بین ملل می‌گردد.

مضامین، مایه‌های غالب و تیپ‌ها

می‌توان مضامینی چون فلسفه زندگی، تولد، مرگ و... را با استفاده از روش تطبیقی در آثار ادبی ملل مختلف مورد مطالعه قرار داد.

ادبیات تطبیقی و سایر دانش‌ها

نویسنده ارتباط ادبیات با سایر هنرها اعم از نقاشی، موسیقی، علوم تجربی و... را از زمینه‌های پژوهش در این حوزه می‌داند.

ادبیات تطبیقی و ترجمه

ترجمه، از راه‌های ورود به قلمرو ادبیات تطبیقی و آشنایی با زبان‌های مختلف است.

نتیجه

۱. این مقاله، از استاندارد مقالات علمی که حدود ۲۰ صفحه است خارج و در ۳۴ صفحه چاپ شده است.

۲. بخش‌های مختلف مقاله، در مسیر اثبات عنوان مقاله قرار ندارد، از جمله پیشینه مفصل در خصوص

تحولات و مکاتب تطبیقی و قلمرو ادبیات تطبیقی که در مجموع ۲۳ صفحه از فضای مقاله را اشغال کرده از رابطه آن با ضرورت توجه به ادبیات تطبیقی سخنی به میان نیاورده است.

۳. چارچوب نظری رعایت نشده؛ چرا که نگارنده پیشینه تحقیق، روش پژوهش و فرضیه را در مقاله ذکر نکرده است.

۴. انوشیروانی در چکیده به نقیصه کج‌فهمی در شناخت ادبیات تطبیقی و تعریف آن اشاره کرده ولی توضیحی درباره آن و تعریف درست این دانش ادبی به دست نداده است.

۵. انوشیروانی در چکیده، کلید حل مشکل ادبیات تطبیقی را فقط در دست فرهنگستان دیده و نقش دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و پژوهشگاه‌ها، مجلات، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، رشته ادبیات تطبیقی، همایش‌های مربوط و... در دانشگاه‌ها را نادیده گرفته است.

۶. آنچه در نتیجه مقاله آمده است با عناوین موجود در چکیده که ده موضوع مستقل و جداگانه است بیگانه و ناسازگار است.

۷. در نتیجه مقاله، نقل قولی از ابوالحسن نجفی آمده که مرسوم نیست و باید در متن قرار گیرد نه در چکیده.

* وحید سبزیان پور

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

** بهناز نظری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

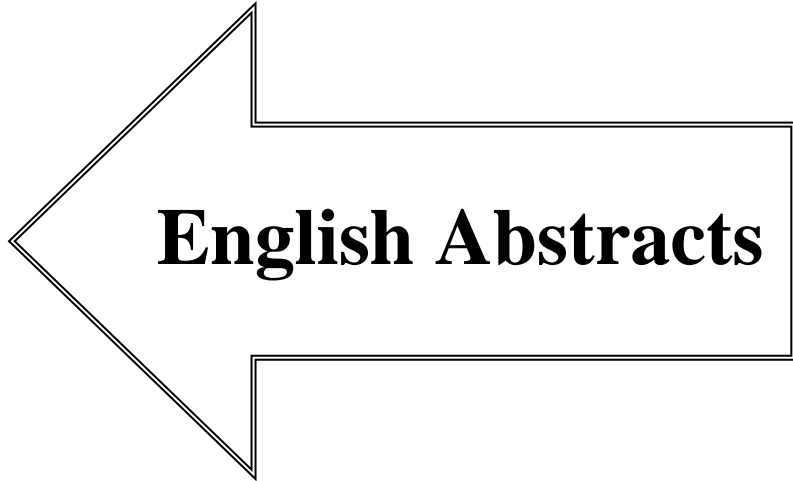
*** نسرین ملکی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

*. رایانامه نویسنده مسئول: wsabzianpoor@yahoo.com

** رایانامه: Behnaznazari0832@gmail.com

*** رایانامه: n.maleki8994@gmail.com



English Abstracts